

اشاره:

شوخی خوب است؛ خیلی خوب. باعث انبساط خاطر می‌شود از همه نوعش و در این روزگار بدکردار نشاط روانی می‌آورد. شوخی حالتی مثبت در ذهن است و زمانی به وجود می‌آید که گوینده با ظرافت، موضوعی غیرمنتظره و سرگرم کننده را بگوید و خلق آدم را به اصطلاح بگشاید! و یک هیجان قوی و شاد در وجودش ایجاد کند.

شوخی حتی همبستگی و پیوستگی می‌آورد. آدم دوست دارد همیشه با اوپی باشد که مزاح‌های به موقع و عاری از اهانت را بکار می‌برد. انگار شوخی‌هایش چوبی است که غم را دنبال می‌کند تا دوان دوان از دل بیرون رود؛ تا غم و غصه‌ها فراموش شوند و جایشان را به امید بدهند.

ولی شوخی، همان شمشیر دو لبه است. گاهی می‌شود بمبی از انرژی و روحیه برای ادامه فعالیت در شرایط بحرانی و گاهی دستمایه‌ای می‌شود برای تعطیل شدن روح و جسم به طور کلی! مثلاً برای شما هم پیش آمده وقتی ایمیلی را باز می‌کنید، با انفجاری ناگهانی روبرو می‌شوید و موزیک وحشتناکی هم به آن اضافه شده تا حسابی شما را به سخته بیاندازد؟! یا مثلاً خودنویس‌های جوهر بخش کن یا مدل ترقه‌ای که با باز کردن درش سر و صورت و لباس شما را جوهری می‌کند یا صدا و جرقه انفجارش دو سه روزی شما را در بستر می‌انداخت! و بدتر این که داغان شوی و بشنوی؛ ظرفیت داشته باش... بابا!

پرونده ویژه



گاهی اقباض

نگاهی جدی به شوخی

و مکان هم در نظر گرفته شود. مثلاً شوخی سر کلاس درس جدی که استاد هم بسیار خسته و بی‌حوصله است، زننده خواهد بود؛ در حالی که ممکن است در همین شرایط یا مثلاً در یک روز شلوغ کاری و خستگی زیاد یک شوخی مؤدبانه، کلی حال افراد را جا بیاورد و برای ادامه کار یا درس انرژی بیشتری بگیرند. علاوه بر این در شوخی هم مثل همه موضوعات دیگر باید اعتدال را رعایت کرد. اما شوخی‌های بی‌رویه، باعث کاهش هیبت و زمینه‌سازی برای مزاح‌های بیشتر متقابل و نهایتاً ضربه خوردن به اشخاص شده، جرأت و جسارت دیگران را نسبت به فرد افزایش می‌دهد. گاهی هم شوخی حالت طعنه و تحقیر پیدا می‌کند. مثلاً با استفاده از برخی عناوین برای افرادی بی‌ارتباط با آن عنوان، در قالب شوخی طرف را تحقیر می‌کنیم. مثلاً به دوستی که مشروط شده می‌گوییم «دکتر!» یا کارگری را که برای تعمیرات آمده، صدا می‌زنیم «مهندس!» و... شاید شوخی از همان روزهای اول زندگی، با بدذات انسان گره خورده باشد؛ شاید شوخی غریزی باشد. چون گاهی حتی توسط شیرخواران کوچک هم سرکار می‌روی و او غش غش می‌خندد!

بعضی‌ها بسیار خلاق هستند. به‌خصوص در ایجاد حرکت‌های فراگیر برای ساخت جوک‌های بی‌محتوا که در قدیم، شکل و شمایلش مجلس گرم کردن یا لطیفه‌گویی بود و امروز تبدیل شده به ساخت پیامک‌های زننده و حتی مزین به الفاظ رکیک و تکان‌دهنده، مسخره کردن بعضی اقوام ایرانی و حتی شخصیت‌های فرهنگی - ملی و حتی گاه شوخی‌های سرکاری خطرناک که ممکن است کار را به جاهایی باریک‌تر از مو پکشانند.

شوخی در دین هم جایگاه خودش را دارد و بارها بزرگان دینی و نیز کارشناسان تربیتی به رعایت چهارچوب‌های اخلاقی و مرزهای مجاز در شوخی، تأکید کرده‌اند تا فرد حد و حدود خودش را بشناسد. در واقع شوخی‌های افراطی و بی‌حد و مرز و به طور کلی رعایت نکردن قواعد آن، به ضعف تربیتی - شخصیتی فرد برمی‌گردد و او را به آدمی بی‌مزه و نتر تبدیل خواهد کرد. اگر بخواهیم نگاهی جدی به شوخی بیاندازیم، از جهت رفتاری، شوخی میان افرادی که صمیمیت عاطفی دارند، صورت می‌گیرد و در این رابطه باید شرایط روحی، سنی، ظرفیت طرف مقابل، ظرفیت زمان

بازم تویی سهراب شیپور؟
امشب بیاین با بچه ها دور
هم جمع شیم؛ یه خورده به
موهای اسکاجیت بخنیدم!



آخونده، گیاست

شیپور قاضی

گاهی افساط

مارک تواین می گوید: «شوخی، ریشه اش شادی نیست. ریشه اش غم است. گمان نمی کنم توی بهشت خبری از شوخی باشد!»

در پاسخ به مارک عزیز! و همه کسانی که مثل او فکر می کنند باید بگویم: نقل شده که پیامبر فرمود: «در روز قیامت کسانی را که در دنیا مردم را مسخره می کرده اند، می آورند و دری از بهشت به روی آنان می گشایند و به آن ها می گویند: «بیایید، بیایید» آن ها با آن همه سختی و ناراحتی پیش می آیند و همین که نزدیک در بهشت می شوند در به روی آن ها بسته می شود. سپس در دیگری به روی آن ها باز می شود و گفته می شود: «بشتایید، بشتایید» این بار نیز آن ها با ناراحتی حرکت می کنند و همین که نزدیک این در می روند، آن در نیز بسته می شود و همین طور این کار تکرار می شود تا جایی که ناامید می شوند و سرانجام دیگر به سوی هیچ دری نمی روند. در اینجا مؤمنان که ساکن بهشت اند آن ها را نظاره می کنند و به آن ها می خندند. و چقدر جالب می شود که خدا این طور با بندگانی که مستحق این مدل شوخی هستند، این طوری مزاح کند واقعا چه شوخی با مزه ای!

انواع نمک

که افراد صاحب این سبک مزاح، در جنبه های دیگر زندگی پرخاشگرند، صمیمیت و درستکاری ضعیفی دارند، روابط دوستانه را خراب می کنند و کمتر مورد پذیرش دیگران قرار می گیرند.

شوخی، دو نوع دسته بندی دیگر هم دارد که خیلی بد نیستند. مثل «شوخی خودفزاينده» که با این نوع شوخی خودمان را (بدون این که دیگران را تحقیر کنیم) بالا می بریم. مثلا دیده اید برخی آقایان می گویند: «یک آمبولانس خبرکن دنبالم بیاد... این خوش تیبی هم برای ما دردسر شده!»... و «شوخی پیوند دهنده» که بدون این که ما را بالا یا پایین ببرد، روابط را محکم تر می کند. مثل این که همکاری را که خیلی با هم رابطه نداریم صدا بزیم: «دوست من...»

البته با تشکر از آقای مارتین. استاد روانشناسی که با کلی طرح و پروژه و مشاهده و آزمایش این سبک ها را دسته بندی کرد.

شوخی همیشه و همه جا وجود دارد و اوج حجم آن در سنین نوجوانی و جوانی، محیط مدرسه و محیط های کاری است. ولی به طور کلی نمک و نمکدان بودن ویژه افراد برون گراست؛ کسانی که مهارت های اجتماعی زیادی دارند. این افراد ممکن است سبک های مختلفی برای شوخی داشته باشند که آن ها را به افراد بی مزه و بامزه تبدیل کند و شوخی هایشان را به سالم و ناسالم.

مثلا دیده اید بعضی ها در شوخی هایشان می گویند: «ما سگ در خونه شما هم نیستیم؟» این یک شوخی «خودشکنانه» است که به واسطه آن خودزنی می کنیم و به تحقیر خود می پردازیم تا دیگران لبخند بزنند! گاهی هم به تحقیر دیگران می پردازیم و سرفروشی در میان جمع می گوئیم: «برو... گدا» بعد هم در مقابل واکنش طرف می گوئیم: «چه بی جنبه، شوخی کردم ها!» خب کاملا معلوم است این شوخی ها از نوع ناسالم اند. به این شوخی می گویند: «سبک پرخاشگرانه» و واضح است